

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و چهارم، دوره جدید، شماره ۶۱، پیاپی ۱۵۱، بهار ۱۴۰۳
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۴۱-۱۱۱

سیاق نامتعارف معاش و چالش‌های اقتصادی طلاب مسجد جامع زنجان در دوره قاجار^۱

حسن رستمی^۲، مسعود بیات^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰

چکیده

پایداری مناسبات سنتی و عدم توسعه ساختار اقتصاد در دوره قاجار، از عوامل زوال و بروز بحران‌های اجتماعی و اقتصادی بود. این نابسامانی بر گروه‌های مختلف تأثیر گذاشت و به سختی معیشت و امور زندگی انجامید. طلاب به‌عنوان یکی از گروه‌های پایین جامعه، تحت نظر و حمایت مدارس دینی، به فراگیری و آموزش علوم می‌پرداختند و غالباً با وجوهات شرعی گذران زندگی می‌کردند؛ اما بحران‌های اقتصادی با کاهش درآمدهای عمومی جامعه و در نتیجه کمی وجوهات، بر زندگی طلاب تأثیر مستقیمی گذاشت و آنان را به کسب درآمدهای نامتعارف کشاند. در زنجان مسجد جامع به‌عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مدرسه دینی، دارای بیشترین طلبه بود و آنان به‌مانند سایر مناطق، چالش‌ها و مشکلات معیشتی داشتند. در پژوهش حاضر این سؤال مطرح است که با توجه به وضعیت نامطلوب اقتصاد در دوره قاجار، طلاب مسجد جامع چگونه و با چه شیوه‌هایی (نامتعارف) کسب معاش می‌کردند و با چه موانع و چالش‌هایی روبه‌رو بودند. فرضیه پژوهش این است که با توجه به محل مصرف درآمد موقوفات مسجد که رسیدگی به وضعیت مدرسه و پرداخت حقوق مدرسان و محصلان را شامل می‌شد، طلاب به متولیان و سایر گروه‌های مدعی تولید نزدیک و وابسته شدند و با هدف رفع چالش‌های معیشتی، به آنان در مقابل گروه‌های مدعی یاری رساندند. براساس یافته‌های تحقیق، طلاب در سال‌های سختی زندگی با

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2024.46132.2887

۲. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).
rostami.h1210@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
masoud.bayat@znu.ac.ir

تصدی مشاغل حکومتی، نایبی و پیشکاری، تبلیغ، کدخدایی در روستاها، هرج و مرج و دخالت در کار دارالحکومه و وابستگی به محاکم شرع، نیازهای زندگی را تأمین کردند. این مقاله با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسناد سازمان‌های دولتی، خصوصی و شخصی، مقالات و نسخ خطی، به روش توصیفی تبیینی موضوع را بررسی کرده است.

واژه‌های کلیدی: طلاب، مسجد جامع، زنجان، قاجاریه، امام‌جمعه.

مقدمه

مواجهه قاجارها با نظام‌های نوین و شکست آنان در مقابل قدرت‌های بزرگ، برخی از روشن‌فکران، سیاست‌مداران و دولتمردان را به فکر اصلاحات انداخت. مسئله پیشرفت و عقب‌ماندگی در زمینه‌های مختلف، از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های برخی از دولتمردان اصلاح‌طلب قاجاری بود که در این بین مولفه اقتصاد از مسائل بنیادین محسوب می‌شد. این چالش‌ها از دوران عباس میرزا تا عصر مشروطیت، با فراز و فرودهایی همراه بود و با توجه به نقش و جایگاه سنت در جامعه، وابستگی به نظم قدیم و بی‌میلی و مخالفت نسبت به اصلاحات، ساختار و مناسبات اقتصادی قاجارها بدون اصلاح و تحول مهمی باقی ماند و با تغییرات چندان گسترده‌ای روبه‌رو نشد. در ادامه این مسئله در کنار کاهش تدریجی درآمدهای عمومی، بخش مهمی از گروه‌های جامعه را در فشار و سختی قرار داد.

در جامعه دوره قاجار طبقه پایین به‌عنوان قشر محکوم، در خدمت خواسته‌ها و اهداف طبقه بالا قرار داشت و نیازها و خواسته‌هایش در گرو همراهی با عناصر و گروه‌های مهم بود. از گروه‌های پایین، طلاب حوزه‌های دینی با توجه به خاستگاه طبقاتی و وضعیت اقتصادی نامطلوب، در کنار علاقه و کسب علوم دینی، با هدف ارتقا جایگاه اجتماعی، به تحصیل می‌پرداختند. طلاب در خدمت و اطاعت علما و مدرسان حوزه‌های علمیه بودند و با وجود حمایت‌ها، غالباً در فقر و تنگ‌دستی زندگی می‌کردند. با توجه به منابع درآمدهای نظام‌های آموزش سنتی نظیر مدارس دینی که با دریافت وجوهات شرعی از راه‌های مختلف صورت می‌گرفت و این منابع با وضعیت اقتصاد دولت و جامعه ارتباط مستقیمی داشت، با عدم اصلاحات و بحران‌های فزاینده مالی که با کاهش درآمدهای عمومی همراه بود، طلاب را مجبور به رفع نیازها با پرداختن به کارهای نامتعارف کرد.

در زنجان عصر قاجار مسجد جامع^۱ به‌عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مدرسه دینی، به‌واسطه

۱. در اسناد و منابع تاریخی عصر قاجار با نام‌های «دار»، «جامع»، «سلطانی» و «شاهی» شناخته می‌شد (ساکما، شماره سند ۳۱۰/۰۳۵۵۲۸: ص ۶ سالور، ۱۳۷۴: ۱۵۹۵/۲)؛ اما از دوره رضاشاه با تثبیت تولید و موقعیت

طلاب و مدرسان برجسته شناخته شده بود. تعداد طلاب مدرسه از سایر مدارس دینی شهر بیشتر بود و در حوادث مختلف اجتماعی و سیاسی حضوری فعال داشتند. طلبه‌ها از زنجان، بلوکات و روستاهای اطراف منطقه حاضر می‌شدند و غالباً به دلیل فقر و بحران‌های اقتصادی، در تنگناهای معیشتی فراوانی قرار داشتند. طلاب مسجد با توجه به عقب‌ماندگی ساختار سنتی و مناسبات اقتصادی در جامعه، با چالش‌ها و مصایب مختلفی روبه‌رو بودند و از راه‌های مختلف نیازهای مالی را برطرف می‌کردند. در پژوهش حاضر این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به وضعیت اقتصاد در دوره قاجار، طلاب مسجد جامع چگونه و با چه شیوه‌هایی (نامتعارف) به کسب معاش می‌پرداختند و با چه موانع و چالش‌هایی روبه‌رو بودند؟

تاکنون پژوهشی پیرامون طلاب زنجان در عصر قاجار انجام نشده است، ولی پژوهش‌هایی وجود دارند که کلیت مسئله را در بُعد کشوری بررسی کرده‌اند؛ از جمله حامد الگار در کتاب *دین و دولت در ایران؛ نقش علما در دوره قاجار*، به بررسی جایگاه لوطیان در پیشبرد اهداف علما پرداخت. به باور الگار، بعدها در قرن نوزدهم میلادی، طلاب یا محصلان مدارس جای لوطیان را گرفتند و نیروی مهمی برای تحقق اهداف علما محسوب شدند.

علیرضا علی‌صوفی و فرهاد دشتکی‌نیا در مقاله «مسجد و نظام آموزش سنتی دوره قاجار»، نواقص و عدم کارایی مدارس دینی در پرورش طلاب را بیان کرده‌اند. به باور نویسندگان، نقش حکومت در ضبط موقوفات مسجد-مدرسه‌های دینی، موجب کم‌اقبالی طلاب جهت تدریس شد.

مقاله «سیادت و سادات در عصر قاجار؛ بررسی بودی‌باش معیشت و کارکردهای سادات»، نوشته سیدمحمد طیبی و فرهاد دشتکی‌نیا، راه‌های درآمدزایی، جایگاه و کارکردهای سادات در جامعه عصر قاجار را بررسی می‌کند. به عقیده نویسندگان، سادات غالباً با تکیه بر مذهب و کسوت طلبگی و روحانیت، به امرار معاش می‌پرداختند. در رابطه با پژوهش‌های موردی، مقاله «طلاب قفقازی و نقش آنان در تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد در اواخر عصر قاجار (۱۳۳۰-۱۳۲۰ق)»، نوشته جواد عباسی و علی نجف‌زاده، مربوط به شهر مشهد است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسناد سازمان‌های دولتی، خصوصی و شخصی، مقالات و نسخ خطی، به روش توصیفی تبیینی موضوع را بررسی کرده است.

۱. وضعیت معیشت و اقتصاد طلاب زنجان در عصر قاجار

پس از سقوط دولت صفویه، اقتصاد ایران موقعیت مطلوب نیافت. وخیم‌شدن اوضاع به آثار سوء درهم‌ریختگی و فساد مزمن درازمدت انجامید (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۹۱-۹۰). در این دوره جامعه ایران با سلسله‌ای از تغییرات روبه‌رو شد که حاصل آن شروع تولید سرمایه‌داری وابسته بود (امیراحمدی، ۱۳۹۷: ۲۶۷). اقتصاد ایران در دوره قاجار و به‌ویژه قرن نوزدهم میلادی، بدون تغییر و تحول مهمی باقی ماند. «دلالی» بخشی از رسوم اقتصادی بود. در میانه دوره قاجار با توجه به مبادلات اندک و وابستگی اقتصادی، واردات به نفع دولت و مردم نبود. بازارها به روی کالاهای وارداتی باز شدند؛ اما دگرگونی مهمی حاصل نشد. شیوه‌های تولید بطنی و بدون اخذ فناوری‌های جدید و مناسبات حاکم بر روابط تولید و عرضه، با روش‌های گذشته دنبال شد. در این بین بهره‌های مالکانه به روال قدیم باقی ماند و امنیت نیز تأمین نشد (سیف، ۱۳۹۴: ۳۲۸-۳۲۷).

در دوره قاجار نخبگان حاکم، ثروتمندان و روحانیان عالی‌رتبه «ملت» بودند و بقیه مردم به‌عنوان «رعایا» حقی نداشتند. این ملت‌سازی و نظام آموزشی از بالا به پایین، موجب برتری تحصیلات عالی بر امور اجرایی و مقدماتی شد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۷۰). در این دوره علمای بزرگ از درآمدهای اقتصادی چشمگیری برخوردار بودند که در این باره می‌توان امر قضاوت، کسب وجوهات، تولید و نظارت بر درآمدهای اوقافی و دریافت صدقات مؤمنان را نام برد (ذوالفقاری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۴). علما که بخش مهمی از وجوهات طلاب مدارس دینی را می‌پرداختند، با عنایت به بحران‌های فزاینده اقتصادی در دوره قاجار و وابستگی درآمدها به اوضاع و شرایط اقتصادی دولت و جامعه و نیز افزایش درخواست‌های مردمی جهت اعانه مالی، غالباً در پرداخت وجوهات شرعی طلاب درمانده بودند؛ بنابراین با توجه به بحران‌های اقتصادی و فقدان درآمدهای ثابت مالی در مدارس دینی، طلاب با ترکیبی از مردمان شهری و روستایی، به ناچار از راه‌های مختلف سعی در رفع نیازهای اقتصادی و تحصیلی می‌گرفتند.

در زنجان به دلیل حضور علمای مهم و خاندان‌های برجسته علمی، چندین حوزه دینی فعال بود. این خاندان‌ها غالباً با وابستگی به دولت، از دیرباز در حیات علمی و فرهنگی شهر تأثیرگذار بودند و امر رسیدگی به وضعیت مدارس را بر عهده داشتند. برخی از علمای برجسته شهر از مناطق اطراف و از شهرهای دیگر وارد حوزه‌های دینی شدند. در این دوره با عنایت به جمعیت بیست هزار نفری زنجان، چندین حوزه دینی وجود داشت. مسجد شاهی (جامع، سید، دارا)، مسجد میرزایی، مسجد نصرالله خان، مسجد آخوند قارپوزآبادی و مسجد جمیلیه (خانم) در عصر مشروطه، از مهم‌ترین حوزه‌های دینی بودند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۰؛ اسناد

انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱؛ اسناد موزه بنیاد مهرانه، (۱۴۰۲).

این مدارس غالباً با پول خیرین و متولیان اداره می‌شد. با وفات متولیان و بزرگان مدارس دینی، معمولاً یکی از علمای وقت امر تصدی و رسیدگی به امور را انجام می‌داد؛ برای مثال، در سال‌های پیش از مشروطه با وفات آخوند قارپوزآبادی، میرزا ابوالمکارم موسوی رئیس مدرسه میرزایی، نظارت و رسیدگی به مدرسه را بر عهده گرفت (اسناد موزه بنیاد مهرانه، ۱۴۰۲).

در زنجان طلاب غالباً وابسته به مدرسان و محاکم شرع بودند و به‌عنوان حامیان شریعت، با منازعه، تهدید و دعوا، علما را در مقابل مخالفان و گروه‌های رقیب یاری می‌کردند (زنجان، ۱۳۱۰: ۱۷۲-۱۷۱). در این دوره طلاب مناطق مختلف در تنگ‌دستی بودند و درآمد چندانی برای گذراندن زندگی نداشتند. بنابه گزارشی، در حوزه علمیه نجف، «وضعیت طلاب و معزین از مجاورین سخت شده که در زمان سلف نشده بود. گرانی غایت درجه، راه و معیشت بر اهل این مملکت خاصه طلاب به‌قدری دشوار شده که از حد بیان خارج است. بسیاری از معزین که روی سؤال ندارند، در اتاق‌های خود جان‌باخته و می‌بازند» (حبل‌المتین، ۱۹ جمادی‌الآخر ۱۳۱۵ق: ۲۱).

در سندی مربوط به فقرای زنجان در دوره حکمرانی علاءالدوله که قحطی در میان نبود، نام چند نفر از طلاب زنجانی ثبت شده است. ملا محمدعلی، ملا محمدرضا و ملاعلی از فقرای موجب‌گیر دارالحکومه بودند (اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۱). با این وضعیت، تعداد طلاب نیازمند در سال‌های عسرت بیشتر می‌شد. طلاب غالباً با مشاهده سختی، در اوایل دوره جوانی ازدواج نمی‌کردند؛ اما با داشتن زن و فرزند، چاره‌ای جز درخواست نیاز و دست‌یاری به‌سوی توانگران نداشتند. نامه زیر گویای این موضوع است:

عریضة ملا عبدالاحد

تصدقت شوم. عرض اقل جان‌نثار این که حقیر اعمام هستم. مضطر و پریشان متولی شده، صبح تا الی حال نون پیدا نکرده‌ام که به‌جهت اعیال^۱ خود بیرم صرف نمایند. استدعا این که شب رحمت خیری به حقیر مرحمت فرمایید که شاید از برکت وجود شریف عمل حقیر امشب نوعی بگذرد. چند نفر عیالات دعاگو باشیم. وجود مبارک زیاده عرضی نیست. امر امر مبارک است و مطا» (اسناد موزه بنیاد مهرانه، ۱۴۰۲).

طلاب صاحب زن و فرزند غالباً با اعانه، کارگری و مشاغل دشوار زندگی می‌کردند.

۱. عیال صحیح است.

گرفتاری‌های خانوادگی و مرگ یکی از نزدیکان، تحصیل معاش را تهدید می‌کرد. در نامه‌ای، ملا اسدالله می‌نویسد: «همسرم مرده و یک بچه شیرخواره دارم. از سوی دیگر خواهر و مادری ندارم تا مراقبت کنند. از آنجایی که نمی‌توانم بچه را بفروشم، درخواست یاری و دریافت اعانه دارم» (همان اسناد).

با عزیمت طلاب زنجانی به نجف اشرف، مشکلات اقتصادی خانواده‌های کم‌برخوردار ادامه می‌یافت. با بررسی و دقت نظر در وضعیت تحصیلی علمای بزرگ زنجان در نجف اشرف، کاستی‌ها را می‌توان به دست آورد. طلاب خاندان‌های علمی زمین‌دار موسوی، شیخ‌الاسلام و امام‌جمعه، نیازها و چالش‌های اقتصادی نداشتند؛ برای مثال، فرزندان میرزا نصرالله شیخ‌الاسلام با چندین روستا و املاک شهری، ثروت قابل‌توجهی اندوخته بودند^۱، از سوی دیگر خاندان موسوی با روستاهای متعدد و محکمه شرع، نیاز چندانی احساس نمی‌کردند^۲.

امامان جمعه نیز با موقوفات مسجد جامع و چندین روستا، جزو متمولین زنجان بودند (اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱؛ اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۱)؛ بنابراین فرزندان خاندان‌های متنوع با اتکا به ثروت خاندانی، دغدغه‌ای برای حضور در مجالس درس علمایی نظیر حسین کوه‌کمری، مرتضی انصاری نداشتند. از علمای بزرگ زنجان آخوند ملا قربانعلی اهل روستای ارقین، با تنگ‌دستی و سختی بسیار و کار شبانه‌روزی به تحصیل در حوزه علمیه نجف پرداخت.

به نظر می‌رسد، تأثیر سال‌های عسرت و تنگ‌دستی دوره طلبگی، موجب زندگی زاهدانه در سال‌های محکمه‌داری و تدریس در زنجان گردید و تا آخر عمر غالباً خانه‌نشین بود (ملاقنبر، ۱۳۰۸: ۱۳-۸). شیخ ابراهیم زنجانی نیز که در جنبش مشروطیت از علمای مخالف ملا قربانعلی بود، در زمان تحصیل در نجف دشواری و کمبودها را تجربه کرد و تا زمان بازگشت و تدریس در زنجان، با مشقت و تهی‌دستی روزگار را گذراند (زنجانی، بی‌تا: ۲؛ زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵-۱۴۴).

با این توصیف از معیشت طلاب زنجان در عصر قاجار، به بررسی فراز و فرود نیازها و چالش‌های اقتصادی طلاب مسجد جامع می‌پردازیم.

۱. برای نمونه، روستای حاصل‌خیز «نیک‌پی» در تملک آقا ضیاءالدین نایب‌الصدر فرزند شیخ‌الاسلام زنجانی بود (اوبن، ۱۳۶۲: ۴۲). در حال حاضر نیک‌پی یکی از شهرهای استان زنجان است.

۲. در دوره قاجار برخی از روستاهای حاصل‌خیز زنجان رود نظیر «باغلوچه» متعلق به میرزا ابوالکرم موسوی بود (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۹: ۶۸).

۲. رویکردها و تلاش‌های معیشتی طلاب مسجد جامع

قدیمی‌ترین روایت شناخته‌شده از احداث مسجد جامع در زنجان به دوره جهان‌شاه قراقویونلو بازمی‌گردد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۴/۱۹۹۸-۱۹۹۷)؛ اما از سرانجام این مسجد اطلاعی در دست نیست و به‌نظر می‌رسد از بین رفته است^۱. در اوایل دوره قاجار با حمایت حکومت و تأسیس مراکز دینی، عرصه برای قدرت و نفوذ علما در زنجان بیشتر شد؛ بنابراین با حکمرانی عبدالله میرزا دارا فرزند فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۲۴ق، مسجد جامع زنجان احداث شد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۵۵۲؛ همان، ۲۰۱۲).

براساس داده‌های تاریخی، پس از احداث مسجد جامع به‌عنوان بزرگ‌ترین مدرسه علوم دینی، حجره‌های احداث شده در صحن مسجد با مقدار معتدبهی موقوفه، به طلاب اختصاص داده شد (شبیبری زنجان، ۱۳۹۳: ۳/۵۵۶). در این دوره طلاب زیادی از مناطق مختلف وارد مدرسه شدند. غالباً شهرت طلاب، خاستگاه و موقعیت اجتماعی و اقتصادی‌شان را نشان می‌داد؛ برای مثال، ملاحسین خیرآبادی، ملا حسینعلی اوزجی، ملامحسن مهرآبادی، ملاحسن دویرنی، آقا تقی مشمپائی، ملاحسن مشکینی، ملاعلی قزل‌تپه و ملاعلی ینگجه از روستاهای اطراف وارد مدرسه شدند. طلاب غالباً در حجره اول، حجره دوم، حجره سوم و حجره چهارم مسجد سکونت داشتند. باید افزود، در هر حجره بین ۶ تا ۸ نفر زندگی می‌کردند (اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱؛ اسناد موزه بنیاد مهران، ۱۴۰۲).

در سال‌های پس از تأسیس مدرسه (۱۲۸۰-۱۲۴۰ق)، وضعیت اقتصادی زنجان نامطلوب بود و مردم در فقر و فلاکت زندگی می‌کردند (اسناد موزه بنیاد مهران، ۱۴۰۲؛ دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۳۱؛ بروگش، ۱۳۶۷: ۱۵۲/۱). جنگ دوم با دولت روسیه (۱۲۴۳-۱۲۴۱ق)، نبرد شهری بابیت در زنجان (۱۲۶۶ق) و بی‌برنامه‌گی حاکمان جهت رونق اقتصاد (۱۳۰۵-۱۲۴۵ق)، از عوامل مهم بحران بازار، کاهش درآمدها و عایدات از روستاهای وقفی مسجد جامع بودند (اسناد موزه بنیاد مهران، ۱۴۰۲؛ احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۶۵-۶۴؛ محسن‌اردبیلی، ۱۳۹۶: ۳۳۰-۳۲۵). در زنجان دو قحطی بزرگ دوره ناصری (۱۲۸۹-۱۲۸۸ق) و جنگ جهانی اول (۱۳۳۸-۱۳۳۶ق)، مردمان بسیاری را از میان برد.

براساس یک گزارش، در جریان قحطی اخیر برخی از طلاب مسجد به‌همراه مردم کشته شدند (زنجان، ۱۳۱۰: ۷-۵؛ ساکما، شماره سند ۰۰۱۲۷۴/۲۱۰: ۲). شیوع بیماری‌های مختلف

۱. به‌عقیده برخی از معمرین زنجان و محققان تاریخ محلی، مسجد میرزایی بالا در داخل بازار، نخستین مسجد جامع زنجان به‌نظر است؛ اما این نظریه صحیح به‌نظر نمی‌رسد. چون علاوه بر دوری نسبت به مرکز شهر و قرار داشتن در داخل بازار، ورودی‌ها، حیاط و شبستان‌های کوچکی دارد.

می‌توانست امر دادوستد را تعطیل و گروه‌های مختلف شهر را پراکنده کند. در این دوره چندین بیماری با کشتار مردم، شهر را نیمه‌تعطیل کرد و تجارت و دادوستد نیز مختل شد؛ بنابراین با توجه به موقوفات مسجد که بیشتر آن مربوط به دکاکین بازار بود، بر دخل و خرج‌ها تأثیر مستقیمی گذاشت و درآمدها به میزان چشمگیری کاهش یافت (اسناد خاندان حسینی زنجان، ۱۴۰۱).

باید افزود، بخش عمده‌ای از طلاب با روزه‌خوانی در ماه‌های محرم و صفر، وعظ در ماه رمضان، گرفتن روزه‌ها و نمازهای اجاره‌ای متوفیان، مشارکت در کارهای اقتصادی نظیر کشاورزی و خدماتی، برای جبران منابع معاش تلاش می‌کردند؛ اما با توجه به فاصله مکانی طلاب روستایی از شهر، قحطی و بحران‌های اقتصادی که طبقات مختلف را تحت تأثیر قرار می‌داد و میزان درآمدها نیز کاهش می‌یافت، به ناگزیر به مشاغل پرداختند که از نگاه ناظران امری پسندیده نبود و چندان با ماهیت و جایگاه طلبگی هم‌خوانی نداشت.

با احداث مسجد جامع، بخشی از مرجعیت دینی منطقه بر عهده خاندان حسینی قرار گرفت. این مسئله در دهه‌های بعد موجب رقابت‌های علما جهت اعلیمیت و کسب درآمد موقوفات مسجد جامع شد. در این برهه با ظهور علی‌محمد باب و آغاز دشمنی محمدعلی حجت زنجان با علمای بزرگ، علاوه بر اختلافات مذهبی، مسئله ریاست دینی بر شهر، منطقه خمسه را به مدت نزدیک به یک سال عرصه جنگ و ستیز کرد؛ بنابراین درآمدها کاهش یافت (همان سند؛ فوریه، ۱۳۵۸: ۱۵۶).

طلاب با خرابی‌های حاصل از جنگ و تنزل درآمدها، بیش‌ازپیش به سختی افتادند در این برهه طلاب برای تأمین معیشت و هزینه‌های زندگی به پیشه «فراشی» برای دارالحکومه می‌پرداختند (همان سند؛ اسناد موزه بنیاد مهرانه، ۱۴۰۲). آن‌ها با استفاده از موقعیت و جایگاه دین و مذهب در جامعه، وضعیت نابسامان اقتصاد و کاهش عایدی موقوفات، غالباً با اعمال نفوذ و با دخالت در امور حکومتی، امرارمعاش می‌کردند؛ برای نمونه، صمد آقا به واسطه عمویش آخوند ملا قربانعلی به شرارت می‌پرداخت و حکومت نیز در مقابل کارهایش ناتوان بود.

در یک گزارش، صمد آقا مجرمی را از دست مأموران حکومت گرفته، فرارش و عارض را کتک مفصلی زد. تداوم بی‌قانونی‌های صمد آقا سرانجام با واکنش دارالحکومه، موجب دستگیری و تنبیه شد (ایران، ۹ شوال ۱۳۲۱ ق: ۶). حاج سیاح که ماه ذی‌الحجه ۱۲۹۹ ق از تبریز به سمت تهران حرکت می‌کرد و در زنجان توقف داشت، با مشاهده وضعیت طلاب مسجد جامع (شاهی)، افزود: «ملاها در آنجا هم نفوذ زیاد دارند. مثل سایر جاها یا فرارش‌بازی

حکومت هستند یا حکومت فراش‌باشی ایشان است یا همیشه با حکومت در ضدیت و کشمکش هستند که اقتدارشان را بر حکومت برتری دهند» (حاج سیاح، ۲۵۳۶: ۲۷۲).

در سال ۱۳۰۵ق، متولی مسجد جامع میرزا ابوالفضایل امام‌جمعه در ابتدای سنین جوانی قرار داشت و به دلیل تحصیل در عتبات و بیماری، ناتوان از رسیدگی به وضعیت مسجد و مهار توطئه برخی از علما برای تصاحب موقوفات بود؛ بنابراین طلاب با تحریک برخی از علمای زنجان به مخالفت با امام‌جمعه برخاستند (ساکما، شماره سند ۰۰۷۸۷۵ / ۲۹۵: ۱۱؛ اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۱). ضعف مدیریت امام‌جمعه با بی‌توجهی در رسیدگی به میزان عایدی موقوفات و پرداخت حقوق تحصیلی طلاب، در گرایش آنان به علمای مدعی تولید بی‌تأثیر نبود.

ادامه این روند موجب هرج و مرج بیشتر در مدرسه و نافرمانی طلاب نیازمند به دریافت وجوهات شد و آنان جهت رفع نیازهای اقتصادی به کارهای خلاف قانون کشیده شدند. احتشام‌السلطنه در دوره حکمرانی بر زنجان (۱۳۰۶-۱۳۰۹ق)، به مقابله با بی‌قانونی‌های طلاب مسجد جامع برخاست (احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۷)؛ اما با ادامه ضعف مدیریت امام‌جمعه و کاهش درآمدها، آن‌ها به کارهایی نظیر «باج‌گیری» کشیده شدند. به گزارش عین‌السلطنه سالور با عنوان «در زنجان» که آخر ماه ذی‌الحجه ۱۳۱۸ق، مسجد جامع شهر را دیده بود، طلاب مدرسه با نمایش‌های ساختگی به اخاذی از طبقات مختلف پرداختند (سالور، ۱۳۷۴: ۵ / ۴۰۰۳-۴۰۰۲).

در دوره قاجار انتخاب و انتصاب کدخدای روستاها به روش‌های متعدد صورت می‌گرفت. کدخدا در دهات متعلق به مالک به صلاح‌دید او، در روستاهای اوقافی از طرف متولی و در خالصه‌ها و حتی گاه در همه انواع روستاها از طرف حکومت منصوب می‌شد (بختیاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۲). موافق رویه غالب مدارس دینی، تعدادی از طلاب مسجد جامع زنجان نیز پس از پایان تحصیلات مقدماتی و در روزهای فراغت، جهت تحصیل معیشت با تأیید مدرسین و اساتید به منظور تبلیغ به مناطق مختلف اعزام می‌شدند. در اسناد نام چند نفر از طلبه‌های مدرسه ثبت شده است که به روستاهای محل زندگی‌شان مأمور شدند.

«ملاعلی» از طلاب نزدیک به امام‌جمعه و از محصلان مدرسه، به بلوک انگوران بازگشت و به‌عنوان کدخدای ده، حلقه ارتباط روستاییان و زمین‌داران شد. ملاعلی غالباً در حل و عقد امور، رسیدگی به شکایات‌ها، نامه‌نگاری و رساندن وجوهات به علما و درخواست‌های روستاییان به حکومت، نقش مهمی بر عهده داشت (اسناد موزه بنیاد مهرانه، ۱۴۰۲؛ اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۱).

«پیشکاری» یا «نایی» نیز یکی از کارهایی بود که طلاب مسجد جامع زنجان برای جبران تنگی معیشت به آن روی آوردند. پیشکاری به‌عنوان یکی از مناصب مهم دیوانی در دوره قاجار، کارکردهای متفاوتی داشت. به‌لحاظ ساختار اداری یکی از مهم‌ترین مناصب به‌معنای وزیر یا نایب‌الحکومه ولایت، نزدیک به صدراعظم و ولیعهد بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۶۰-۵۹؛ نادر میرزا، ۱۳۹۳: ۳۵۴).

به‌لحاظ اقتصادی، پیشکار یا نایب وظیفه محاسبه، دریافت مالیات و مسئولیت امور مالی و مستوفی‌گری را بر عهده داشت (مستوفی، ۱۳۶۰: ۱/ ۲۰۹-۲۰۸؛ مصدق، ۱۳۸۹: ۲۴). در اسناد موجود در موزه مهرانه زنجان، پیشکاران مالیه علما و خوانین، وظیفه محاسبه عایدات، نمایندگی در شهرهای بزرگ و ارسال گزارش اقدامات به مخدومان، نظارت و بررسی وضعیت میزان درآمدها از کشاورزان و عشایر را بر عهده داشتند (اسناد موزه بنیاد مهرانه، ۱۴۰۲). از بین نایبان امام‌جمعه زنجان، چندین نفر از طلاب مسجد جامع، کار رسیدگی به وضعیت درآمد موقوفات را بر عهده داشتند.

بررسی درآمد روستاها، تعیین مبالغ پرداختی و جمع‌آوری پول از دکاکین موقوفات بازار زنجان، غالباً بر عهده طلاب مسجد بود (همان اسناد؛ اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۱). براساس اسناد، طلاب در سال‌های عزیمت امام‌جمعه به عتبات برای تحصیل و زیارت، معاونت مسجد جامع و موقوفات را بر عهده می‌گرفتند. «ملاعلی» از طلاب مدرسه، مدتی به‌عنوان پیشکار امام‌جمعه در مسجد جامع و به‌عنوان نایب میرزا ابوالمکارم موسوی رئیس مسجد میرزایی خدمت کرد. «ملا عبدالواسع» و «ملا عبدالحسین» نیز علاوه بر تحصیل، به‌عنوان نایب به روستاهای وقفی مسجد جامع اعزام می‌شدند و رابط روستاییان و امام‌جمعه بودند (اسناد موزه بنیاد مهرانه، ۱۴۰۲).

عدم توسعه ساختار سیاسی و اقتصادی قاجارها و تداوم رویکرد سنتی در عرصه حکومت‌داری که با بحران‌هایی مانند قحطی‌های متوالی، جنگ‌ها، دخالت و حضور بیگانگان در کشور همراه بود، موجب کاهش درآمد موقوفات مراکز دینی شد و بر تکاپوی طلاب مسجد جامع زنجان جهت برآوردن نیازها از راه‌های مختلف مانند فراشی برای دارالحکومه و دخالت در کار مأموران حکومت تأثیر گذاشت.

بحران‌های اقتصادی و جایگاه و موقعیت برجسته مذهب و بی‌سوادی بخش مهمی از جامعه، راه را برای اعمال نفوذ و سوءاستفاده عده‌ای از طلاب مسجد جامع زنجان فراهم کرد. طلاب در برآوردن نیازهای اقتصادی، از راه‌های صحیح نیز اقدام کردند. چنان‌که عده‌ای با پایان تحصیلات مقدماتی در مدرسه و روزهای فراغت از تحصیل، از سوی امام‌جمعه با

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۴، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۳ / ۱۲۱

عزیمت به مناطق مختلف زنجان و بازگشت به موطنشان، با تبلیغ امور دینی نیازهای معیشتی را تأمین کردند و با ارسال وجوهات شرعی به زنجان، علما را نیز یاری رساندند. در این راستا برخی از طلاب با توجه به جایگاه و موقعیت برجسته مذهب در بین عموم، به شغل کدخدایی در روستا رسیدند.

۳. رقابت‌های اجتماعی و سیاسی، وابستگی طلاب به علما و متولیان مسجد جامع

طلاب در جامعه عصر قاجار غالباً وابسته به مدارس و حوزه‌های درسی علمای بزرگ بودند. اقتدار و شهرت دستگاه روحانیت نیز، در کنار علم و زهد علمای بزرگ، به تعداد پیروان، مقلدان و طلاب حوزه‌های درسی بازمی‌گشت و در برخی مواقع قدرت و نفوذ دولت را به چالش می‌کشید. طلاب با توجه به وضعیت نامطلوب اقتصادی در عصر قاجار، غالباً به محضر درس علمای صاحب مکتب و ثروت روانه می‌شدند. یکی از حوزه‌های درسی مهم، متعلق به سید محمدباقر شفتی بود که پیوسته از طلاب و ریزه‌خواران گرد او مجتمع بودند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۷: ۴۲۱۷-۴۲۱۸).

علما غالباً طلاب علوم دینی را با ماهی چند ریال کمک خرجی به گرد خویش داشتند و به محیط و قدرت نفوذ خود می‌افزودند؛ به‌طور مثال، آقاجانی در حدود پنج هزار طلبه گرد خود جمع کرده بود و به هر یک ماهیانه ۳ تا ۵ تومان می‌داد که برای اجرای اوامرش آماده باشند. امام‌جمعه وقت اصفهان نیز در حدود پانصد نفر فراش داشت که هر وقت به مناسبتی بیرون می‌رفت، دور او را می‌گرفتند و با سلام و صلوات مشایعت می‌کردند. این افراد قوه مجریه بودند و به جبر و انواع ترفندها پولی به دست می‌آوردند و تقدیم امام‌جمعه می‌کردند و خود نیز سهم ناچیزی می‌بردند (ملک‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۲ و ۱-۳).

حضور بسیار طلاب ایرانی در حوزه علمیة نجف، موجب ترقی و رونق درس شیخ مرتضی انصاری در مقابل علمای بزرگ عرب نظیر محمدحسن جواهرکلام گردید و دایره شهرت و اقتدار عالم بزرگ را محدود کرد (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۲). به نظر می‌رسد، در دهه‌های پایانی عصر قاجار با مرگ تدریجی علمای بزرگ و کاهش رونق حوزه‌های درسی در شهرهای مختلف، حضور طلاب در مدارس به دریافت شهریه و داشتن سرپناه محدود شد، به‌طوری که غالباً روزانه به دنبال کار شخصی می‌رفتند و شب‌ها در حجره‌ها به صبح می‌آوردند و چندان در مدارس به درس و بحث اهمیت نمی‌دادند (مستوفی، ۱۳۶۰: ۳/۲۴۸).

در زنجان با عنایت به موقوفات ارزشمند مسجد جامع و موارد مصرف آن که بخشی برای مدرسه دینی و طلبه‌ها در نظر گرفته شده بود (اسناد خاندان حسینی زنجان، ۱۴۰۱)، بیشتر

طلاب از امامان جمعه به‌عنوان متولیان حمایت می‌کردند. در آغاز جنبش بایست و شورش طرف‌داران علی‌محمد باب در زنجان، بخشی از رقابت‌ها و مجادله‌های علمای شهر بر سر ریاست دینی و امامت جمعه آغاز شد و طلاب مسجد جامع به طرف‌داری از خاندان امام‌جمعه برخاستند (همان اسناد؛ فاضل مازندرانی، بی‌تا: ۲/ ۴۳۲).

با شکست طرف‌داران علی‌محمد باب و مرگ علمای نخستین عصر قاجار در زنجان، نسل دوم علمای بزرگ با شهرت تدریجی آخوند ملا قربانعلی ارقینی آغاز شد. ملا قربانعلی در مقابل علمای رقیب و مدعی تولیت مسجد جامع، از حامیان امام‌جمعه میرزا ابوالفضایل حسینی بود و با توجه به نزدیکی خانه و محکمه‌اش به مسجد جامع، مورد حمایت و توجه برخی از طلاب مسجد جامع قرار داشت (اسناد خاندان حسینی زنجان، ۱۴۰۱؛ زنجان، ۱۳۹۳: ۱۴۲).
طلاب طرف‌دار ملا قربانعلی، برخی مواقع نیز به حمایت از مردمان تهی‌دست برمی‌خاستند. در نامه‌ای از ملا قربانعلی به سپهسالار اعظم پیرامون پناهندگی دختری از ظلم نامادری به محکمه ملا جواد، طلاب از جاری‌شدن خطبه عقد میان دختر و خواستگار مدنظر حمایت کردند (اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱).

جانب‌داری طلاب از احکام و فرامین آخوند ملا قربانعلی و امام‌جمعه که برخی مواقع پیرامون کسب مشاغل دیوانی صادر می‌شد و مخالف با مشی و خواسته عده‌ای از خوانین و علما بود، به جدال و کشمکش می‌انجامید. ریاست داروغه‌خانه، فرماندهی قشون و تعیین نایب‌الحکومه برای بلوکات منطقه خمسه که قدرت و درآمد سرشاری داشت، از جمله مسائل مورد مناقشه میان گروه‌ها بود و طلاب غالباً به حمایت از افراد مدنظر آخوند ملا قربانعلی و امام‌جمعه می‌پرداختند.

در دوره حکمرانی احتشام‌السلطنه، مخالفت‌ها به میزان مالیات تخصیصی نیز تسری یافت. در یکی از مناقشه‌ها متنفذان بر سر تصدی منصب نایب‌الحکومه‌ای مشیرالممالک در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و امام‌جمعه و حامیانش با عزل او مخالفت کردند (سالور، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۵۶۲؛ احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۷).

در سال‌های مشروطه حمایت‌های طلاب از ملا قربانعلی و امام‌جمعه به‌عنوان متولی مسجد جامع ادامه داشت. در این راستا دشمنی ملا قربانعلی و خاندان امام‌جمعه با اساس مشروطیت، با حمایت‌های طلاب مسجد جامع همراه بود. به‌طوری‌که طی دو سال جدال و ستیز از تأسیس مجلس شورای ملی تا فتح تهران و زنجان به‌وسیله قوای مجاهدان مشروطه، طلاب در قتل سعدالسلطنه حاکم زنجان، بستن بازار و انجمن ولایتی، قتل مجاهد مشروطه‌خواه محمدعلی عظیم‌زاده، همکاری کردند و بهای این همراهی را با تبعید و زندان پرداختند

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۴، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۳ / ۱۲۳

(مذاکرات مجلس اول، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: جلسه ۸۶؛ صبح صادق، ۱۳۸۴: ۴۴۰-۴۳۹؛ ایران نو، ۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۷: ۳-۲؛ اسناد موزه بنیاد مهرانه، ۱۴۰۲).

بخشی از طلاب مسجد جامع علاوه بر اعتقاد و ارادت معنوی، با توجه به وضعیت نامساعد اقتصادی و وابستگی به حقوق طلبگی، در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی از امام‌جمعه به‌عنوان متولی مسجد جامع حمایت کردند. در سال‌های مشروطه با توجه به مقام علمی و معنوی آخوند ملا قربانعلی و حمایتش از تولید خاندان امام‌جمعه بر مسجد جامع، طلاب به حوزه قضا و درس این روحانی بزرگ زنجان کشیده شدند و در کنار حقوق دریافتی از عایدات مسجد جامع، با کار و اداره محکمه شرعی آخوند ملا قربانعلی که مهم‌ترین محاکم منطقه خمسه در مجاورت مسجد جامع بود، نیازهای اقتصادی را برطرف کردند.

آن‌ها با دریافت حقوق و وجوهات شرعی از موقوفات مسجد جامع و مبالغ تقدیمی مردم در محاکم شرع، به علمای بزرگ وابسته شدند و در مقابل با ورود به جریان‌ها و رخدادهای اجتماعی و سیاسی، به یاری امام‌جمعه به‌عنوان متولی مسجد جامع و آخوند ملا قربانعلی برخاستند. این حمایت‌ها که به نظر می‌رسد با هدف تحصیل معاش و رفع چالش‌های اقتصادی بود، در بحران‌ها و ستیزه‌های سیاسی به قتل و کشتار مخالفان امام‌جمعه و آخوند ملا قربانعلی انجامید؛ اما خسارت‌های جبران‌ناپذیری به زندگی و سرنوشت برخی از طلاب وارد آورد.

۴. موقوفه مسجد جامع؛ مسئله تولیت و موارد مصرف

وضعیت اوقاف در اواسط دوره قاجار بدون نظم و قاعده مشخص بود و طبقات مختلف در موقوفات دست‌درازی می‌کردند (آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۸۸-۱۸۷). با تشکیل وزارت وظایف و اوقاف در سال ۱۲۷۱ق، طی ابلاغیه‌ای مقرر شد که متصدیان موقوفه‌ها بدون آگاهی مأموران ادارات اقدامی نکنند (لمبتون، ۱۳۸۸: ۹۴). به‌رغم تلاش‌های میرزا حسین‌خان سپهسالار در زمان صدارت و تصدی وزارت وظایف و اوقاف (سپهسالار، ۱۴۰۱: ۱۲۰-۱۱۹؛ آدمیت، ۱۳۸۵: ۱۷۳)، وضعیت موقوفات در کشور تغییر چندانی نکرد و مدعیان فراوانی درصدد تصاحب املاک و اراضی بودند.

در بازار تهران ۱۴۳ باب دکان (۱۱ درصد) وقفی بود. ۴۲ باب مغازه وقف مسجد شاه در دست امام‌جمعه، ۶ باب دکان وقف سیدالشهدا در دست آقا شیخ باقر پیش‌نماز، حمام حاجی محسن در دست میرزا ابوالحسن پیش‌نماز و یک دانگ و نیم کاروان‌سرای حاجی کمال کهنه در دست شیخ عبدالحسین بود (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۰۳-۱۰۲)؛ بنابراین اداره و نظارت‌داری‌ها و توزیع درآمد موقوفات در دوره قاجار، یکی از مسائل مهم تاریخ وقف بود. در این دوره متولی بدون رقیب و مدعی کمتر وجود داشت و غالباً در یک زمان بیش از یک نفر درصدد تصاحب

موقوفات بودند (ورنر، ۱۳۸۲: ۲۰).

با احداث مسجد جامع در زنجان، دکاکین بازار، روستاها و چندین خواجه‌نشین و حمام به‌عنوان موقوفات در نظر گرفته شدند. در قدیمی‌ترین سند موجود از دوره محمدشاه قاجار، ۶۹ باب دکان، ۴ باب خواجه‌نشین، ۱ حمام و چندین روستا به‌عنوان موقوفه مسجد و مدرسه جامع زنجان تعیین کردند. موارد مصرف عایدات موقوفات شامل ایتم، فقرا، مسجد، مدرسه، طلاب و مدرسان بود. تولیت موقوفه بر عهده امام‌جمعه و پس از او به ارشد اولادش تفویض گردید و نظارت به فرزندان شاهزاده عبدالله میرزا دارا واقف مسجد رسید (اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۱).

در سال‌های پایانی دوره قاجار، میزان موقوفات مسجد جامع افزایش یافت، به‌طوری‌که شامل ۱۰۴ باب مغازه، حمام شش دانگ، قریه کھیا شش دانگ، قریه چیلخور سه دانگ گردید (ساکما، ۱۶۷۸۷/۰۲۵۰: ۶۵). با وفات متولی وقت میرزا عبدالواسع امام‌جمعه در ۱۱ جمادی‌الاول ۱۲۹۱ق و سنین نوجوانی فرزندش میرزا ابوالفضایل، امر رسیدگی و نظارت بر درآمدها با مشکل مواجه شد و مدعیان با پشتیبانی برخی از طلاب ناراضی نظیر شیخ جعفر زنجانی، درصدد تصاحب موقوفات مسجد جامع برآمدند.

حضور مدعیان موجب گردید که در سال ۱۳۱۰قمری، ناصرالدین‌شاه قاجار طی حکمی به عمیدالملک حکمران خمسه، با تأیید تولیت خاندان امام‌جمعه، مدعیان را به اطاعت از قانون شریعت و رسیدگی و حل‌وفصل در محاکم ذی‌صلاح فراخواند (اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۱). با مرگ ناصرالدین‌شاه قاجار و مسافرت میرزا ابوالفضایل امام‌جمعه به عتبات جهت ادامه تحصیلات حوزوی (بصیرالملک شبیانی، ۱۳۷۴: ۴۲)، مدعیان با پشتیبانی طلاب ناراضی از خرابی مدرسه، موقوفات را تصرف کردند.

با غیبت امام‌جمعه از زنجان و رقابت علما برای تصاحب موقوفات ارزشمند مسجد، امر نظارت و رسیدگی بر درآمدها و تخصیص بخشی از آن به طلاب ساکن در مدرسه غیرممکن به نظر می‌رسید و طلاب نسبت به این وضعیت ناخرسند بودند (اسناد خاندان حسینی زنجانی ۱۴۰۱). در میانه دوره مظفری کشاکش سختی بین طلاب طرفدار امام‌جمعه به هدایت و جانب‌داری آخوند ملا قربانعلی و از سوی دیگر طلاب حامی میرزا ابوطالب موسوی، ضیاءالدین نایب‌الصدر و میرزا ابوالمکارم در جریان بود (همان اسناد؛ زنجانی، ۱۳۹۳: ۲۲۰).

در این سال‌ها، مسجد جامع نیمه‌مخروبه و طلاب غالباً گرسنه بودند، در نتیجه بیشترشان چاره‌ای جز ترک تحصیل و بازگشت به خانه نداشتند. در میانه دوره مظفرالدین‌شاه قاجار، حاکم زنجان میرزا مهدی وزیر همایون (۱۳۲۱-۱۳۲۴ق) که با ملاقربانعلی و امام‌جمعه وقت

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۴، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۳ / ۱۲۵

میرزا ابوالفضایل حسینی سر ستیز داشت، با مشاهده اعتراض برخی از طلاب نسبت به بی توجهی به مدرسه و پرداخت حقوق‌ها، با تأیید ناظر وقت شاهزاده یمین‌السلطان، ضمن تنظیم و سامان‌دهی درآمد موقوفه، مبلغ بسیاری را صرف رفاه حال طلاب و مدرسان کرد (همان: ۱۸۴-۱۸۳؛ چهره‌نما، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۴: ۱۳-۱۲).

با پیروزی انقلاب مشروطه، مقرری امام‌جمعه میرزا ابوالفضایل حسینی به جرم مشارکت و همراهی با آخوند ملا قربانعلی رهبر مخالفان در زنجان قطع گردید، در نتیجه با گرفتاری مالی امام‌جمعه و نظارت و رسیدگی اندک به وضعیت مسجد و مدرسه، بار دیگر پرداخت حقوق طلاب با مشکل مواجه شد. در ابتدا علمایی نظیر میرزا ابوالمکارم و سایر بزرگان زنجان برای برقراری حقوق امام‌جمعه نامه‌نگاری‌هایی کردند؛ اما این مهم بدون همراهی دولت مشروطه و برخی از گروه‌ها، عناصر حامی مشروطه و مخالف تولیت امام‌جمعه تحقق نمی‌یافت (اسناد خاندان حسینی زنجان، ۱۴۰۱؛ ساکما، شماره سند ۱۴۶۸۰ / ۲۴۰: ۸-۶).

با خرابی مسجد جامع و ضعف موقعیت سیاسی امام‌جمعه، اداره اوقاف با درخواست‌های مکرر ناظر وقت مسجد جامع شاهزاده یمین‌السلطان، در سال ۱۳۲۸ ق تصمیم به تصاحب موقوفه گرفت (اسناد خاندان آل‌شاهی، ۱۴۰۱، اسناد خاندان حسینی زنجان، ۱۴۰۱)؛ بنابراین تولیت را به یکی از علمای زنجان به نام «آقا سیدعلی» سپردند (ساکما، شماره سند ۱۶۷۸۷/۲۵۰: ۳۹-۳۸ و ۱۴؛ اسناد مجلس شورای اسلامی، ۰۳۱۸۲۱۵-۷۰۰۱۰۰۲۰: ۱۲).

در سال‌های ضعف دولت مشروطه و فترت مجلس شورای ملی (۱۳۳۳-۱۳۳۰ ق)، خاندان امام‌جمعه با توجه به قدرت و نفوذ جهان‌شاه خان امیرافشار، درصدد تصاحب موقوفات برآمدند؛ بنابراین تولیت موقوفات از آقا سیدعلی پس گرفته شد و امام‌جمعه میرزا ابوالفضایل حسینی تا زمان وفات در سال ۱۳۳۶ قمری، دوباره آن را تصرف کرد (ساکما، شماره سند ۰۳۰۳۶۷/۲۹۷: ۶).

با جانشینی میرزا محمود فرزند امام‌جمعه در سال ۱۳۳۷ قمری، مسئله موقوفات وارد مرحله جدیدی شد. در این راستا خاندان دارا با مشاهده مرگ میرزا ابوالفضایل و جانشینی فرزند جوانش، به‌عنوان ناظران موقوفه دوباره به هیئت دولت شکایت بردند. برخی از طلاب مسجد نیز با مشاهده سن کم امام‌جمعه جدید به‌عنوان متولی و از سوی دیگر با توجه به قحطی‌های گسترده جنگ جهانی اول، خشک‌سالی و کم توجهی نسبت به وضعیت درآمد موقوفات مدرسه و عدم پرداخت حقوق، ناراضی بودند.

با ادامه اعتراض‌ها و کم توجهی دولت نسبت به پیگیری شکایت‌ها، طلاب ناراضی نماینده ناظر وقت از خاندان دارا با نام «نورالله خان یاور» را به‌عنوان متولی تعیین کردند تا به وضعیت

نابسامان درآمدها سروسامانی بدهد (همان سند؛ ساکما، شماره سند ۲۸۱۵/۲۹۳: ۶ و ۴). در این بین امام‌جمعه میرزا محمود با مشاهده همکاری و تلاش مخالفانی مانند برخی از طلاب مدرسه، خاندان دارا و شیخ ابراهیم زنجانی به‌عنوان رئیس اداره معارف و اوقاف کشور، دست یاری به‌سوی متنفذان زنجان دراز کرد؛ بنابراین سید محمد مجتهد دایی امام‌جمعه که از علمای بزرگ زنجان بود، با جلب نظر دوباره جهان‌شاه خان امیر افشار و با جانب‌داری طلابی نظیر ملاحسن مهرآبادی، به حمایت برخاست (ساکما، شماره سند ۱۶۷۸۷/۲۵۰: ۵۵-۶۳-۵۵ و ۴۳-۴۱).

رقابت بر سر تولیت موقوفات مسجد جامع زنجان با توجه به اتکای مدعیان به حمایت متنفذان و برخی از طلاب مسجد تا سقوط دولت قاجاریه ادامه داشت و مسئله چگونگی تولیت و شرح وظایف متولیان و ناظران موقوفه مسجد با توجه به ادعای رقیبان و پیش‌کشیدن اسناد مختلف از واقف مسجد جامع شاهزاده عبدالله میرزا دارا، به‌صورت معما باقی ماند (همان اسناد: ۲۲؛ اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۱؛ اسناد خاندان عبدالله میرزا دارا، ۱۴۰۲).

در اوایل دوره رضاشاه با توجه به بیماری میرزا محمود امام‌جمعه و عزیمت به تهران، رسیدگی به وضعیت معیشت و تحصیل طلاب مسجد جامع دوباره با موانع و مشکلاتی مواجه شد. در نتیجه برخی از طلاب وقت با نارضایتی از وضع زندگی در اول فروردین ماه ۱۳۰۷، نامه‌ای را به دولت وقت ارسال کردند.

طلاب در نامه، اختیار تعیین متولی را بر عهده ناظران وقت دانستند و نسبت به دخالت‌های میرزا محمود امام‌جمعه و بی‌توجهی به وضعیت مالی مدرسه و پرداخت حقوق طلاب اعتراض کردند (ساکما، شماره سند ۳۳۷۰۲/۲۹۷: ۶). در ادامه با توجه به تصمیم و اقدام امام‌جمعه جهت تعمیرات مسجد، بازسازی دکاکین بازار و پرداخت هزینه‌های اداره اوقاف و در مقابل، کم‌توجهی به وضع معیشت و پرداخت حقوق و مقرری‌ها، نامه‌های اعتراضی طلاب مسجد جامع ادامه یافت و شکایت‌ها به نزد رئیس‌الوزرا و سایر اعضای هیئت دولت کشیده شد (ساکما، ۳۵۵۲۸/۳۱۰: ۶-۵).

موقوفات مسجد جامع مهم‌ترین منبع درآمد و معیشت طلاب بود که در دوره قاجار با توجه به ضعف برخی از متولیان نظیر میرزا ابوالفضایل و میرزا محمود و سوءاستفاده رقبای خاندانی برای تصاحب تولیت، مورد حسادت و طمع قرار گرفت. رقابت بر سر تصاحب تولیت مسجد جامع و کم‌توجهی نسبت به نظارت‌ها و پیگیری درآمدها، موجب کاهش عایدات و خرابی هر چه بیشتر مسجد و مدرسه و در نتیجه نارضایتی برخی از طلاب و مدرسان گردید. طلاب مسجد در دو سوی این قضایا، با هدف رفع چالش‌های اقتصادی و هزینه‌های

تحصیلی، به جانب‌داری یا مخالفت با خاندان امام‌جمعه برخاستند و در این بین عناصر و گروه‌های مدعی مانند یمین‌السلطان و سید محمد مجتهد، از طلاب برای پیشبرد اهداف بهره گرفتند.

به عقیده متولیان فعلی و براساس وقف‌نامه، تعمیرات و رسیدگی به بنای مسجد جامع همیشه بر سایر نیازها اولویت داشته است (مصاحبه با آیت‌الله‌العظمی حسینی زنجانی، ۱۴۰۲). به نظر می‌رسد علاوه بر این موضوع، ضعف مدیریت و رسیدگی به رقبات و دوری امامان جمعه از زنجان، موجب گرایش و همکاری بخشی از طلاب مسجد جامع با عناصر و گروه‌های رقیب گردید و چالش‌های جدی را پیش روی خاندان امام‌جمعه قرار داد.

نتیجه‌گیری

مسجد جامع زنجان در عصر قاجار، مهم‌ترین نهاد دینی و علمی در منطقه بود و علمای مهم و موقوفات ارزشمندی داشت. در دوره قاجار چالش تأمین معاش و تلاش برای رفع موانع تحصیلی، طلاب مسجد جامع زنجان را به استفاده از سیاست‌ها و آرا متضاد کشاند. در این دوره با توجه به بحران‌های اقتصادی و اوضاع نامساعد اجتماعی که بخشی از آن معلول فحطی و خشک‌سالی و بروز بیماری‌های متعدد بود، طلاب چاره‌ای جز نزدیکی به رؤسای مدرسه و علمای بزرگ نداشتند. در کنار اجتهاد علمی و محبوبیت عالمان دینی زنجان، موقوفات ارزشمند مسجد جامع و اهمیت محاکم شرعی امامان جمعه و آخوند ملا قربانعلی، بیشتر طلاب را ناگزیر از همراهی و پشتیبانی با آنان کرد. جنگ بابت و انقلاب مشروطه دو رویداد مهم در زنجان بودند که بخشی از طلاب مدرسه با حمایت از علمای بزرگ، به مقابله با مخالفان برخاستند و خسارت‌های فراوانی را متحمل شدند.

موقوفات مسجد جامع به‌عنوان منبع اصلی درآمد طلاب، بخش مهمی از نیازهای معیشتی و تحصیلی را برطرف می‌کرد؛ اما بی‌توجهی، غفلت و غیبت برخی از امامان جمعه، آنان را به اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مختلف سوق داد. برخی از طلاب با توجه به اعتبار و شهرت آخوند ملا قربانعلی، به دخالت در امور حکومتی پرداختند و عده‌ای به گروه‌های رقیب مدعی تولیت موقوفات مسجد نزدیک شدند. طلاب در سال‌های بحران اقتصادی و ضعف مدیریت و کم‌توجهی امامان جمعه در پرداخت وجوهات شرعی، از ناظران مدعی موقوفه نیز یاری کردند و برای تصدی تولیت موقوفات مسجد جامع، نمایندگان برگزیدند. به نظر می‌رسد، به‌رغم فشارهای اقتصادی که بر درآمد موقوفه نیز تأثیر مستقیمی گذاشت و طلاب چاره‌ای جز اعتراض به وضعیت معیشتی و تحصیلی نداشتند، آنان اهمیت و جایگاه خاندان امام‌جمعه

به‌عنوان متولیان اصلی موقوفه را به‌خوبی درک می‌کردند. نزدیکی به خانه و محکمه امام‌جمعه، بهترین و مطمئن‌ترین راه‌حل ممکن برای رفع نیازها بود، لذا برخی از طلاب پس از پایان تحصیلات دینی، با کسب اجازه و موافقت امامان جمعه و مدرسان مدرسه، به‌عنوان پیشکار، مباشر و حسابر، به روستاها و مناطق مختلف اعزام شدند. عده‌ای نیز پس از اتمام تحصیلات حوزوی، با حمایت امام‌جمعه و سایر علما، به امر تبلیغ و ترویج احکام و شرایع اسلامی در میان عشایر و روستاییان پرداختند و حتی به کدخدایی روستای زادگاهشان رسیدند. موقعیت و جایگاه مسجد جامع نزد متولیان اهمیت و ارزش بالایی داشت و آنان به‌رغم شکایت و نارضایتی طلاب از وضع اداره مدرسه، غالباً تعمیرات و رسیدگی به بنای مسجد را در اولویت قرار دادند. این عامل و ضعف مدیریت و رسیدگی به رقبات و دوری امامان جمعه از زنجان، موجب گرایش برخی از طلاب به عناصر و گروه‌های رقیب گردید و چالش‌های جدی را در مقابل خاندان امام‌جمعه قرار داد. درآمد اندک در بحران‌های اقتصادی و خرابی بنای مسجد جامع، عوامل مهمی در نارضایتی و گرایش طلاب به گروه‌های رقیب و مخالف خاندان امام‌جمعه بودند. باید افزود، برخی از امامان جمعه مانند میرزا ابوالفضایل، با سن کم، دوری از زنجان به‌دلیل تحصیلات حوزوی و گرایش‌های سیاسی در عصر مشروطه و فرزندش میرزا محمود با ناتوانی در تأمین معاش طلاب در جریان قحطی و خشک‌سالی سال‌های جنگ جهانی اول و سپس عزیمت به تهران در دوره رضاشاه، بر کاهش درآمدها و شکایات طلاب تأثیر گذاشتند.

منابع و مأخذ

الف. کتابها و مقالات

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵) *اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار*، چاپ ۳، تهران: خوارزمی.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷) *اینجا طهران است؛ مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۳۶۹*ق، تهران: تاریخ ایران.
- احتشام السلطنه، محمود (۱۳۹۲) *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش سید محمدمهدی موسوی، تهران: زوار.
- اعتضاد السلطنه، علی قلی میرزا (۱۳۷۰) *اکسیر التواریخ؛ تاریخ قاجاریه از آغاز تا سال ۱۲۵۹*ق، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: شاهنامه.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن (۱۳۵۷) *صدرالتواریخ یا تاریخ صدور: شرح حال یازده نفر از صدراعظم‌های پادشاهان قاجار*، تصحیح، تحشیه و توضیح و فهرست‌ها، محمد مشیری، تهران: روزبهان.
- _____ (۱۳۷۸) *مرآت البلدان*، جلد ۵، تصحیح، حواشی و فهارس: عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- اقبال آشنیانی، عباس (۱۳۸۷) *مجله یادگار: علمای امامیه «حجه الاسلام حاج سید محمدباقر شفتی (۱۲۶۰-۱۱۸۰ق)»*، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، سال ۵، تهران: اساطیر.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۹۷)، *اقتصاد سیاسی ایران در دوران قاجار: جامعه، سیاست، اقتصاد و روابط خارجی از ۱۷۹۶ تا ۱۹۲۶*، تهران: گستره.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶*، ترجمه و حواشی و توضیحات علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- بصیرالملک شیبانی (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات بصیرالملک شیبانی ۱۳۰۶-۱۳۰۱*ق؛ در روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: نشر دنیای کتاب.
- بختیاری، محمد؛ آبدیان، حسین؛ یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۳)، «منصب کدخدا در جامعه روستایی دوره قاجار»، *تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء*، ۲۴(۲۲)، صص ۷۷-۴۷.
- حاج سیاح (۲۵۳۶)، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۸۷) *حیات یحیی*، جلد اول، تصحیح-تعلیقات و استدراکات مجتبی برزآبادی‌فراهانی، ویرایش دوم، تهران: فردوس.
- ذوالفقاری، مهدی؛ عمرانی، ابوذر؛ نوع‌دوست، رضا (۱۳۹۹) «بررسی مقایسه‌ای سرمایه‌های روحانیت در دوره صفویه و قاجاریه (با استفاده از نظریه بوردیو)»، *جامعه‌شناسی ایران*، ۳(۴)، صص ۱۱۵-۱۴۱.
- روحانی، محمدرضا (۱۳۴۷) *فرهنگ‌نامه زنجان*، زنجان: نشر پرچم.
- زنجان، ابراهیم (۱۳۹۳) *خاطرات شیخ ابراهیم زنجان*، به کوشش غلامحسین میرزاصالح، تهران: کویر.

۱۳۰ / سیاق نامتعارف معاش و چالش‌های اقتصادی طلاب مسجد جامع زنجان... / رسمی و ...

سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴) *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، جلد‌های ۲ و ۴ و ۵، به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

سیهسالار، میرزا حسین خان (۱۴۰۱) *کتابچه تنظیمات حسنه؛ دولت علیه و ممالک محروسه ایران*، تهران: امید فردا.

سیف، احمد (۱۳۹۴) *قرن گمشده؛ اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نی.

شبییری زنجان، موسی (۱۳۹۳) *جرعه‌ای از دریا؛ مقالات و مباحث شخصیت‌شناسی و کتاب‌شناسی*، جلد ۳، قم: نشر مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.

عیسوی، چارلز (۱۳۶۲) *تاریخ اقتصادی ایران؛ قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵ق*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

فووریه، ژوانس (۱۳۸۵)، *سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ قمری*، ترجمه عباس اقبال‌آشتیانی، تهران: علم.

لمبتون، آن ک س (۱۳۸۸)، «وقف در ایران»، ترجمه احمد نمایی، *علوم قرآن و حدیث*، ۲۸ (۱)، صص ۹۵-۷۷.

محسن‌اردبیلی، یوسف (۱۳۹۶) *محسن‌نامه؛ مجموعه مقالات ایران‌شناسی یادنامه دکتر محسن جعفری مذهب «حکام زنجان در قرن سیزدهم ق (۱۳۰۰-۱۲۰۱ق)»*، به خواستاری پروین استخری و جمشید کیان‌فر، تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

مستوفی، عبدالله (۱۳۶۰) *شرح زندگانی من؛ تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، جلد ۱ و ۳، تهران: زوار.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی؛ *مذاکرات دوره اول تا بیست و چهارم (۱۳۹۳)*، لوح الکترونیکی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

مصدق، محمد (۱۳۸۹) *اصول و قواعد و قوانین مالی در ممالک خارج و ایران*، چاپ ۲، تهران: فرزانه روز.

ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۷) *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، جلد ۳-۱، چاپ ۲، تهران: سخن.

نادر میرزا (۱۳۹۳) *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز*، به‌کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: نشر آیدین - یانار.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۸) *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرنگستان*، به‌کوشش محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، تهران: انتشارات دفتر پژوهش و تحقیقات سازمان اسناد ملی ایران.

ورنر، کریستف (۱۳۸۲) «وقف آینه تحولات اجتماعی»، ترجمه و تلخیص کیومرث ایران‌دوست، کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*، (۷۴)، صص ۳۹-۱۷.

همایون‌کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۴) *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۴، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۳ / ۱۳۱

ب. اسناد و نسخ خطی

اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان (۱۴۰۱) / اسناد دوره قاجار، زنجان: دفتر انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان.

اسناد خاندان آل شاهی (۱۴۰۱) دوره قاجار، زنجان: اسناد خاندان موسوی زنجان.

اسناد خاندان حسینی زنجان (۱۴۰۱) / اسناد دوره قاجار، زنجان: دفتر آیت الله العظمی حسینی زنجان.

اسناد خاندان شاهزاده عبدالله میرزا دارا (۱۴۰۲) سند موقوفه مسجد جامع زنجان، زنجان: اسناد خاندان دارایی.

اسناد موزه بنیاد خیریه مهرانه زنجان (۱۴۰۲) / اسناد دوره قاجار و پهلوی، زنجان: انجمن خیریه مهرانه زنجان؛ موزه مهرانه.

زنجان، ابراهیم (۱۳۱۰) یادداشت‌های شخصی، نسخه خطی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت کتاب ۲۰۸۵۳۱، شماره قفسه ۱۷۳۶۶.

_____ (بی تا) اسرار سیاسی «رساله اندیشه درست»، نسخه خطی، کتابخانه موزه و مرکز

اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت کتاب ۲۰۸۰۴۰، شماره قفسه ۱۶۸۷۵.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۱۴۶۸۰/۲۴۰، ۸-۶.

_____ شماره سند ۱۲۷۴/۲۱۰، ۲.

_____ شماره سند ۲۵۰/۰۱۱۲۶۰، ۱۵ و ۲.

_____ شماره سند ۱۶۷۸۷/۲۵۰، ۱۴، ۳۸-۳۹، ۴۱-۴۳، ۶۳-۵۵.

_____ شماره سند ۲۸۱۵/۲۹۳، ۶ و ۴.

_____ شماره سند ۲۹۵/۰۰۷۸۷۵، ۱۱.

_____ شماره سند ۳۰۳۶۷/۲۹۷، ۶.

_____ شماره سند ۳۳۷۰۲/۲۹۷، ۶.

_____ شماره سند ۳۵۵۲۸/۳۱۰، ۶-۵.

فاضل مازندرانی، اسدالله (بی تا) تاریخ ظهور الحق، جلد ۴، نسخه خطی، بی جا.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کموامشا)، شماره سند ۰۳۱۸۲۱۵-۷۰۰۱۰۰۲۰، ۱۲.

ملا قنبر، محمدحسن (۱۳۰۸) شرح زندگانی علمای خمسه، نسخه خطی، زنجان: دفتر آیت الله العظمی حسینی زنجان.

ج. روزنامه‌ها

ایران (۱۳۲۱ق)، ۳۴ (۲۱)، سه‌شنبه ۹ شوال، ۶.

ایران نو (۱۳۲۷ق)، ۱ (۹۵)، سه‌شنبه ۷ ذی‌الحجه، ۳-۲.

چهره‌نما (۱۳۲۴ق)، ۲ (۱۶)، جمعه ۱۰ ربیع‌الاول، ۱۳-۱۲.

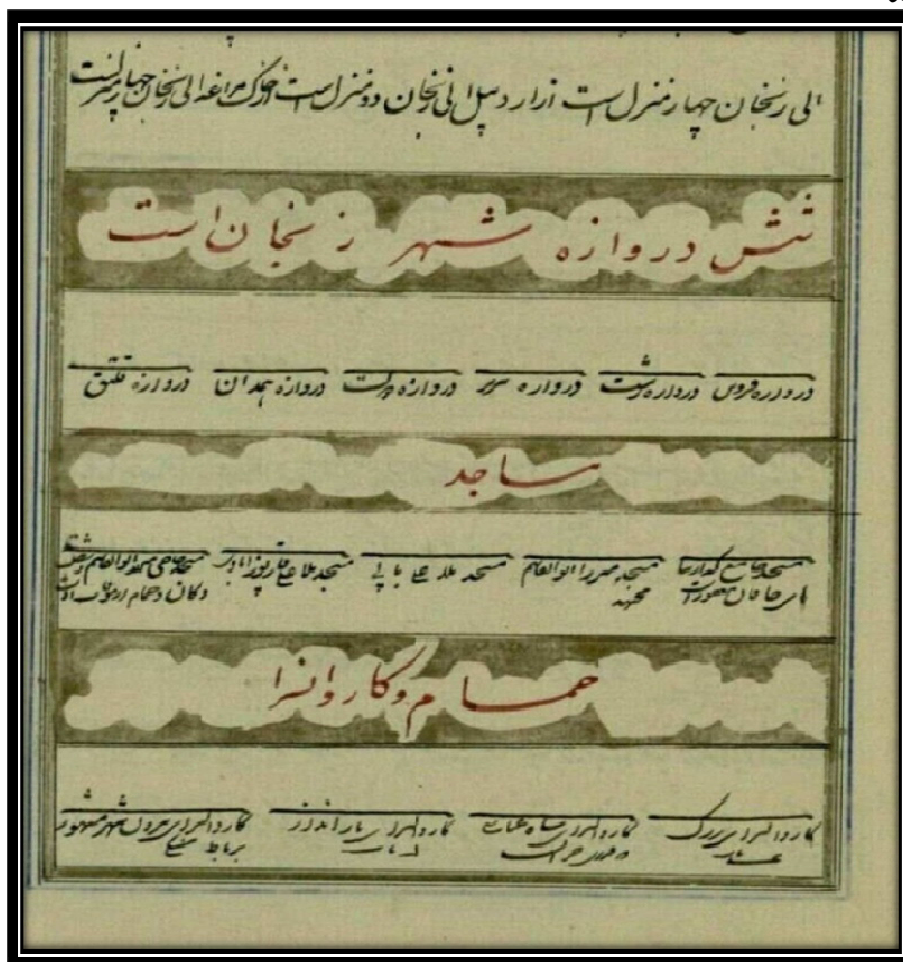
۱۳۲ / سیاق نامتعارف معاش و چالش‌های اقتصادی طلاب مسجد جامع زنجان... / رسمی و ...

جبل‌المتین کلکته (۱۳۱۵ق)، ۵(۲)، دوشنبه ۱۹ جمادی‌الثانی، ۲۱.
روزنامه صبح صادق (۱۳۸۴) سال ۱، شماره ۱۵۱-۱، تهران: نشر دانشگاه تهران.

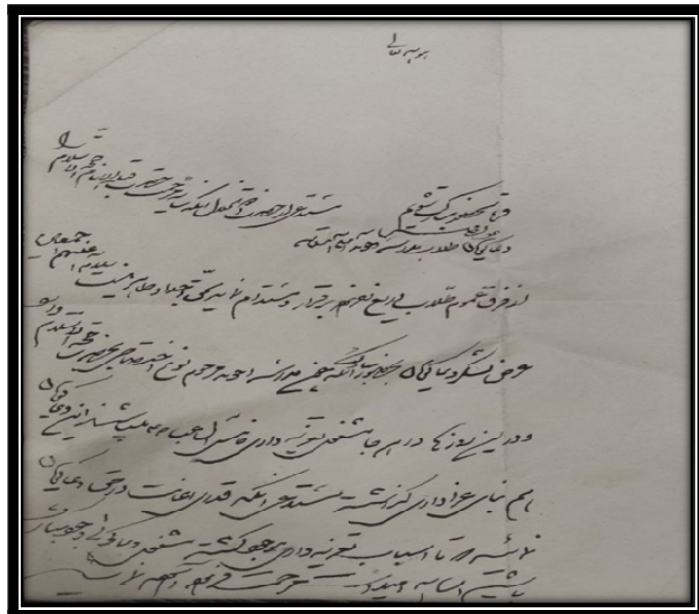
د. مصاحبه

مصاحبه با آیت‌الله العظمی سید محمد حسینی زنجان (۱۴۰۲)، زنجان: دفتر آیت‌الله العظمی حسینی زنجان.

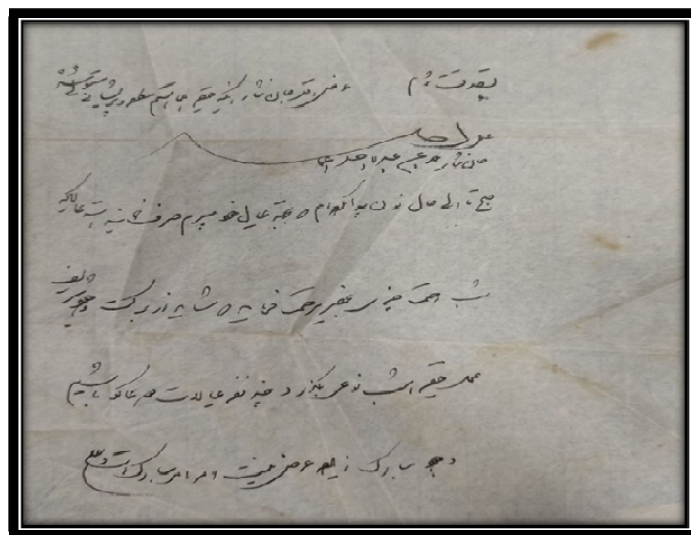
پیوست



اسامی مساجد زنجان در دوره قاجار
(اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱)

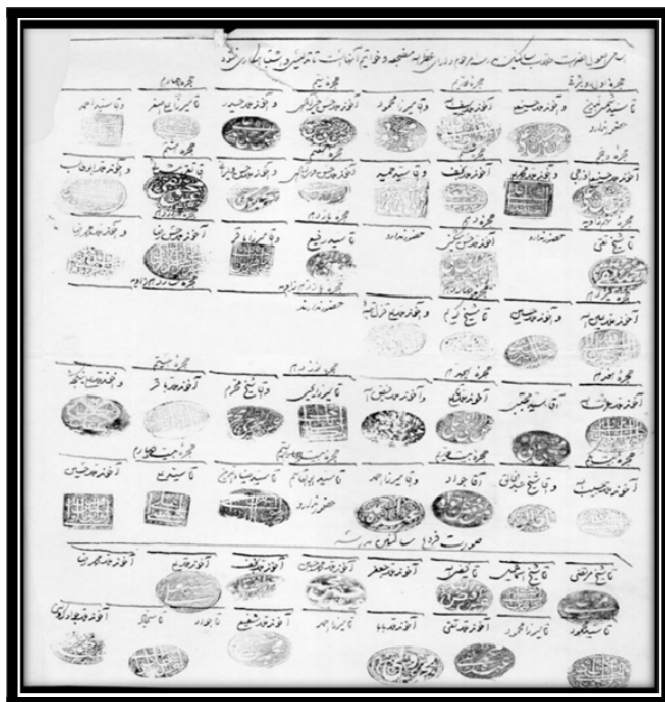


عریضة طلاب مسجد قارپوزآبادی به میرزا ابوالمکارم موسوی
(اسناد موزه بنیاد مهرانه زنجان، ۱۴۰۲)

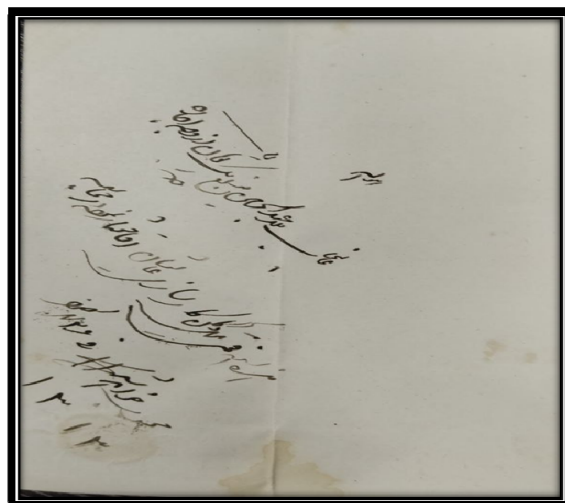


نامه ملا عبدالاحد زنجانى به یکی از علما در ایام سختی
(اسناد موزه بنیاد مهرانه زنجان، ۱۴۰۲)

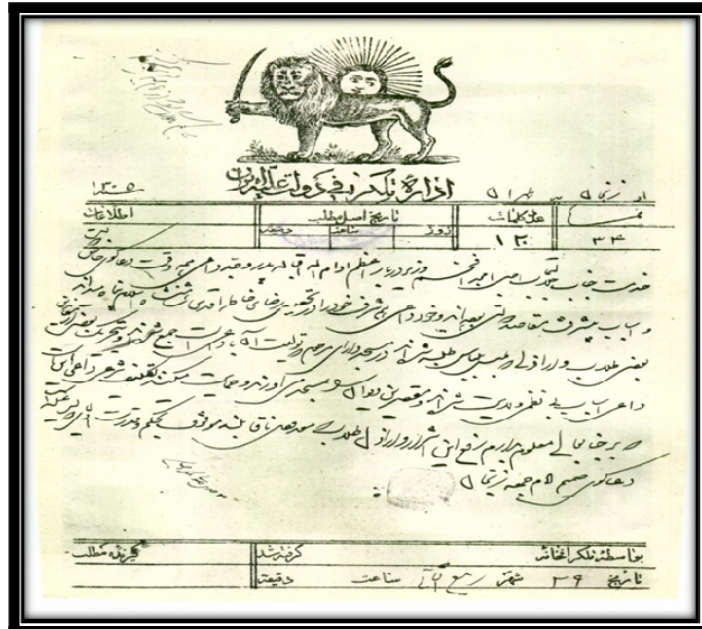
۱۳۴ / سیاق نامتعارف معاش و چالش‌های اقتصادی طلاب مسجد جامع زنجان... / رستمی و ...



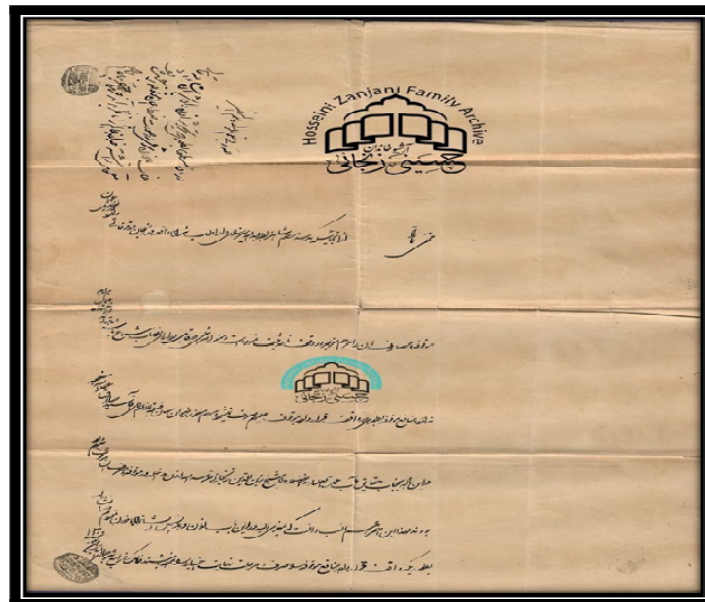
اسامی طلاب ساکن مسجد جامع زنجان و حجره‌های محل سکونت در عصر قاجار
(اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱)



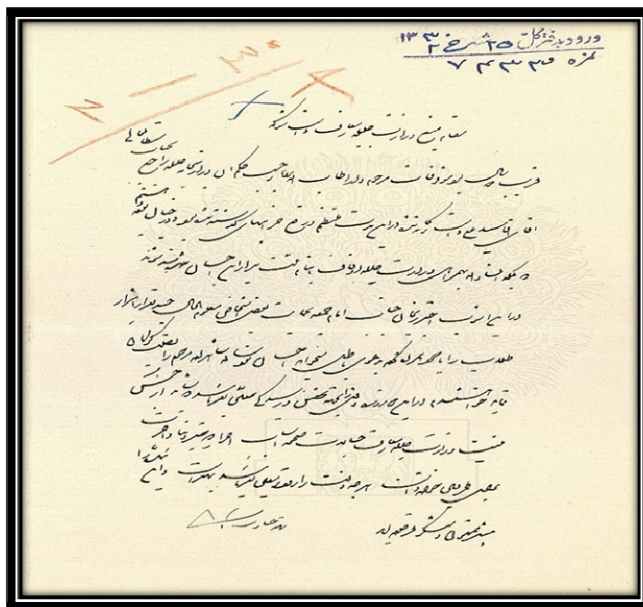
شغل پیشکاری ملا عبدالحسین در سال‌های پیش از مشروطه
(اسناد موزه بنیاد مهرانه، ۱۴۰۲)



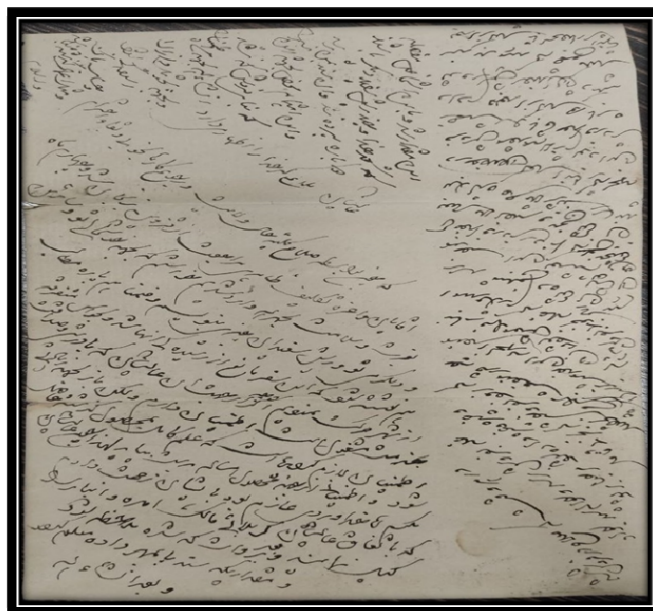
تلگراف امام جمعه زنجان به وزیر دربار پیرامون طلاب
(ساکما، شماره سند ۰۰۷۸۷۵ / ۰۲۹۵: ۱۱)



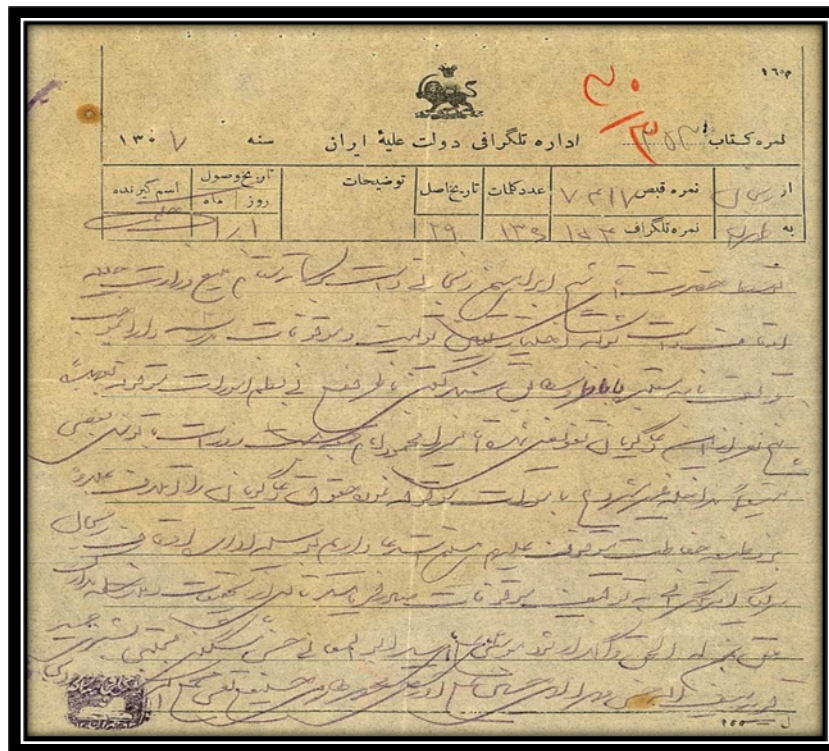
تلاش گروه‌های رقیب و مدعیان برای تصاحب موقوفات مسجد جامع زنجان در سال‌های پیش از
مشروطه (اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۱)



واگذاری تولیت موقوفه مسجد جامع از امام جمعه به آقا سید علی (ساکما، شماره سند ۱۶۷۸۷/۲۵۰:۱۴)



کدخدایی ملاعلی از طلاب مسجد جامع در روستای زادگاهش (اسناد موزه بنیاد مهرانه زنجان، ۱۴۰۲)



نارضایتی طلاب مسجد جامع از وضعیت معیشت و بی نظمی در مدرسه، تلگراف به اداره معارف و اوقاف (ساکما، شماره سند ۳۳۷۰۲/۲۹۷: ۶)

List of sources with English handwriting

A. Books & Articles

- Adamiyat, Fereydu (2006), *The Political Of Reform In Iran(1858_1880)*, Third Edition, Tehran: *kārazmī*.
- Amirahmadi, Houshang (2018), *Iran's Political Economy in the Qajar Era: Society, Politics Economics and Foreign Relations from 1796 to 1926*, Tehran: Gostareh.
- Aubin, Eugene (1983), *La perse daujourd'hui Iran mesopotamie*, Translated by Ali Asghar Saeedi, First Edition, Tehran: Zavār.
- Bakhtiari, Mohammad, Abadian, Hossein and Yousefifar, Shahram (2014), "The Kadkhoda Position in Rural Community of Qajar Period", *Journal of the History of Islam and Iran, AlZahra University*, Vol. 24, No. 22 (Serial 112), pp. 47-77.
- Bašīr ul-Molk Šaybānī (1995), *Rūznāmeḥ-ye Qāterāt-e Bašīr ul-Molk (1301_1306)*, by Iraj Afshar and Mohammad Rasoul Daryagasht, First Edition, Tehran: Donyā-ye ketāb.
- Detailed Negotiations of the National Consultative Assembly: Negotiations from the First to the Twenty-Fourth Period (2014), Electronic Tablet, Tehran: Publication of the Library of the Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Dolatabadi, Yahya (2008), *The Life of Yahya, Volume One, Correction-Commentary and Reflections of Mojtaba Barzabadi Farahani*, Second Edition, Tehran: Ferdūs.
- Eghbal Ashtiani, Abbas (2008), *Yādegār Magazine: 'Olamā-ye Emāmīyya "Ḥojatoleslām Ḥāj Seyyed Moḥammad Bāqer šaftī (1180-1260 AH)"*, by Abdolkarim Jorbozeshdar, 5th year, first edition, Tehran: Asāfīr.
- Eḥtešām-ul-Salṭaneḥ, Moḥammad Maḥmūd (2013), *Qāterāt-e Eḥtešām-al-Salṭaneḥ*, by Seyyed Mohammad Mehdi Mousavi, First Edition, Tehran: Zavvār.
- E'temād-ul-Salṭaneḥ, Moḥammad Ḥasan (1978), *Sadr al-tavāriḳ yā tāriḳ-e koṭūt-e āgāz-e 'azīm al-molk wa ḥokkām-e aḥādī-e az šāheb-e Qāgārīya*, edited by Mohammad Moshiri, Tehran: Roozbehan.
- E'temād-ul-Salṭaneḥ, Moḥammad Ḥasan(1989) *Merāt ul-Boldān, Volume 4*, edited by Abdolhossein Navaei and Mir Hashem Mohaddeth, Tehran: University of Tehran.
- E'tezād-al- Salṭaneḥ, 'Alī Qolī Mīrzā (1991), *Eksīr ul-Tavāriḳ: Tāriḳ-e Qājāriye az Āgāz tā 1259*, edited by Jamshid Kianfar, Tehran: Šahnāmeḥ.
- Feuvrier, Joannès (2006), *Trois Ans a La Cour de Perse*, Translated by Abbas Eghbal Ashtiani, First Edition, Tehran: 'Elm.
- Ḥāj Sayyāḥ (1977), *Qāterāt-e Ḥāj Sayyāḥ yā Dore-ye kof va Vaḥšat*, by Hamid Sayyah, edited by Saifullah Golkar, Tehran: Amīrkabīr.
- Homayoun Katouzian, Mohammad Ali (1995), *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and pseudo_ Modernism, 1926-1979*, Translated by Mohammad Reza Nafisi and Kambiz Azizi, Tehran: Markaz.
- Issawi, Charles (1983), *The Economic history of Iran 1800 - 1914*, translated by Yaqub Ajand, Tehran: Gostareh.
- Ettihadieh, Mansoureh (1998), *This is Tehran, A Collection of Articles on Tehran 1269-1344 A.H*, First Edition, Tehran: Tāriḳ-e Iran Publications.
- Lambton, Ann.K. (2009), "Endowment in Iran", translated by Ahmad Namaei, *Journal of Quranic and Hadith Sciences*, 28(1), pp.77-95.
- Malekzadeh, Mehdi (2008), *History of Iran's Constitutional Revolution, Volume 1-3, Second Edition*, Tehran: Soḡan.
- Mohsen Ardabili, Yousef (2017), *Mohsennameh: Articles on Iranology in Memory of Dr. Jafari Mazhab "The Rulers of Zanzan in the Thirteenth Century AH (1201-1300 AH)"*, at the request of Parvin Estakhri and Jamshid Kianfar, first edition, Tehran: National Library and Archives Organization of Iran.
- Mossadegh, Mohammad (2010), *Financial Principles, Rules and Laws in Foreign Countries and Iran*, Second Edition, Tehran: Farzān Rūz.
- Mostūfī, 'Abdollāh (1981), *šarḥ-e Zendegānī-ye man: Tāriḳ-e Eḵtemā'ī-ye wa Edārī-e 'ašr-e Qājār*, vols. 1 & 3, 1st edition, Tehran: Zavār.

- Nāder Mīrzā (2014), *Tārīk wa joḡrāfiā-ye dār ul-saltāneh-ye Tabrīz*, by Gholamreza Tabatabaei Majd, Tabriz: Āydīn-Yānār.
- Nāṣer-al-Dīn Šāh Qājār (1989), *Rūznāme-ye kāṭerāt-e Nāṣer-al-Dīn Šāh dar safar-e sevvūm be Farangestān*, by Mohammad Esmaeil Rezvani and Fatemeh Ghaziha, First Edition, Tehran: Publications of the Research and Research Office of the National Archives of Iran.
- Rouhani, Mohammad Reza (1968), *Zanjan Dictionary*, Zanjan: Parcham.
- Sālūr, Qahremān Mīrzā (1995), *Rūz-nāmeḥ-ye kāṭerāt-e Eyn-ul-Saltāneh*, Volumes 2, 4 and 5, by Masoud Salor and Iraj Afshar, Tehran: Asāṭīr.
- Seif, Ahmad (2015), *The Lost Century: Iranian Economy and Society in the Nineteenth Century*, Tehran: Ney.
- Sepahsālār, Mīrzā Ḥossein kān (2022), *Ketābčeh-ye Tanzīmāt-e Ḥasaneh; Dowlat-e Āliya-ye Irān wa Mamālek-e Mahrūsa-ye Irān*, First Edition, Tehran: Omīd-e Fardā.
- Shubairi Zanjani, Musa (2014), *A Sip from the Sea: Articles and Topics of Personality and Bibliography*, Volume 3, Qom: Shiite Bibliography Institute.
- Soḅḥ-e Šādeq Newspaper (2005), First Year, No. 1-151, First Edition, Tehran: University of Tehran.
- Werner, Christoph (2003), "an Iranian town in transition a social and economic history", translated and summarized by Kiumars Irandoost, *History and Geography Monthly*, (74), pp. 17-39.
- Zanjani, Ebrahim (2014), *Memoirs of Sheikh Ebrahim Zanjani*, by Gholamhossein Mirzasaleh, Tehran: Kavīr.
- Zolfaghari, Mehdi, Omrani, Abuzar and doost, Reza (2020), "Comparative study of clerical capital during the Safavid and Qajar dynasties(Using Bourdieu's theory)", *Political Sociology research*, Vol. 3, No. 4 (Serial 12), pp. 115-141.
- B. Documents and Manuscripts
- Documents of the Kāndān-e Āl-e Šāhī (2022), *Documents of the Qajar Period*, Zanjan: Documents of the Kāndān-e Mūsavī Zanjānī.
- Documents of the Kāndān-e šāhzadeh ‘Abdullāh Mīrzā Dārā (2023), *The endowment deed of the Jame Mosque of Zanjan*, Zanjan: Documents of Kāndān-e Dārāeī
- Documents of the Kāndān-e Ḥosseinī-ye Zanjānī (2022), *Documents of the Qajar Period*, Zanjan: Office of Āyatollāh Ḥosseinī Zanjānī.
- Documents of the Museum of Mehrāneh Charitable Foundation of Zanjan (2023), *Documents of the Qajar and Pahlavi Periods*, Zanjan: Mehrāneh Charitable Association of Zanjan, Mehrāneh Museum.
- Documents of the Zanjan History and Culture Association (2022), *Documents of the Qajar Period*, Zanjan: Zanjan History and Culture Association Office.
- Fāzel Māzandarānī, Asadullāh (n.d.), *Tārīk-e zohūr-e Al-Ḥaq*, Volume 4, Manuscript, n.p. Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly (LMDCICA), Document No. 70010020-0318215, 12.
- Mullā Qanbar, Moḥammad Ḥassan (1929), *šarḥ-e Zendegānī-ye ‘Olamā-ye kāmseh*, Manuscript, Zanjan: Office of Āyatollāh Ḥosseinī Zanjānī.
- National Library and Archives Organization of Iran (NLAOI), Document No. 240/14680, 6-8.
- National Library and Archives Organization of Iran (NLAOI), Document No. 210/1274, 2.
- National Library and Archives Organization of Iran (NLAOI), Document No. 250/011260: 2 and 15.
- National Library and Archives Organization of Iran (NLAOI), Document No. 250/16787, 14, 38-39, 41-43, 55-63.
- National Library and Archives Organization of Iran (NLAOI), Document number 293/2815, 4 and 6.
- National Library and Archives Organization of Iran (NLAOI), Document No. 295/007875, 11.
- National Library and Archives Organization of Iran (NLAOI), Document number 297/30367, 6.
- National Library and Archives Organization of Iran (NLAOI), Document number 297/33702, 6.

National Library and Archives Organization of Iran (NLAOI), Document No. 310/35528, 5-6.

Zanjani, Ebrahim (1931), Personal Notes, Manuscript, Library of the Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly, Book Registration No. 208531, Shelf No. 17366.

Zanjani, Ebrahim (n.d), Political Secrets of the "Treatise of the Right Thought", Manuscript, Library of the Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly, Book Registration No. 208040, Shelf No. 16875.

C. Newspapers

Rūz-nāmeḥ-e Čehr-e Namā (1906), 2(16), Friday 4 May, 12-13.

Rūz-nāmeḥ-e Ḥabl ul-Matīn-e Kalkateh (1897), 5(2), Monday 15 November, 21.

Rūz-nāmeḥ-e Īrān-e Nū (1909), 1 (95), Tuesday 20 December, 2-3.

Rūz-nāmeḥ-ye Īrān (1903), 34 (21), Tuesday 29 December, 6.

D. Interview

Interview with Grand Ayatollāh Seyyed Moḥammad Ḥosseīnī Zanĵānī (2023), Zanjan: Office of Grand Ayatollāh Ḥosseīnī Zanĵānī.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

Unconventional Livelihood Methods and Economic Challenges of Zanjan Jameh Mosque theologues in the Qajar Era¹

Hasan Rostami²
Masoud Bayat³

Received: 2024/01/18
Accepted: 2024/04/18

Abstract

The stability of traditional relations and the lack of development of the economic structure in the Qajar period were among the causes of the decline and the occurrence of social and economic crises. This disorder affected various groups and led to difficulties in livelihood and life matters. As one of the lower groups of the society, the theologians learned science under the supervision and support of the religious schools, and often lived on religious funds, but the economic crises directly affected the lives of the theologians by decreasing the general income of the society and as a result of the lack of funds, and led them to earn unconventional incomes. In Zanjan, Jameh Mosque, as the most important and largest religious school, had the largest number of theologians, and they, like other areas, faced challenges and livelihood problems. This study raises the question is raised that due to the unfavorable state of the economy in the Qajar period, how and by what (unconventional) methods the theologians of the Jameh Mosque earned a living and what obstacles and challenges they faced. The hypothesis of the research is that the scholars and other groups claimed to be close and dependent on the site of the mosque's endowment income, which included the school status of the school and the payment of teachers and students' salaries, and aimed at addressing the challenge of the challenge. The livelihood helped them against the claimants. According to the findings, during the difficult years of life, the Theologues met the needs of life by taking over government jobs, propaganda, advertising, codification in the villages, creating chaos, interference with town hall and dependence on the Shari'a courts. This article has investigated the issue in a descriptive and explanatory way by using library resources and documents of governmental, private and private organizations, articles and manuscripts.

Keywords: Theologues, Mosque Jame, Zanjan, Qajar, Imam Jomeh

1. DOI: 10.22051/hii.2024.46132.2887

2. Ph.D. in History of Iran after Islam, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author). rostami.h1210@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Islamic History and Civilization, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran. masoud.bayat@znu.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493